

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته: علی ظافر، سایت المیادین
برگردان: احمد مزارعی
۲۹ مارچ ۲۰۲۳

هشت سال شکست و سرخوردگی امریکا و عربستان در یمن



پس از گذشت هشت سال از جنگ بر ضد یمن، چگونه عربستان مجبور شد از جنگ و مقابله به دیپلوماسی روی بیاورد؟ و چگونه این جنگ توانست محور اتحاد سه قوه قدرت، پول و ائتلافات عربستان را با شکستی رسواکننده روبرو سازد؟

هشت سال از سرخوردگی امریکا – عربستان در یمن

بدون تردید مسلم شده است که ائتلاف نظامی در جنگ خود بر علیه یمن با شکست روبرو شده است، و همچنین بسیار روشن است که مقاومت ملت یمن باعث شد که سعودیها به این شکست خود اعتراف کرده به یکباره از سیاست رودررویی به سیاست پراگماتیستی و مذاکره با محیط عربی و اسلامی خود روی آورند، این موضوع در نزد بسیاری از صاحب نظران، از جمله خود امریکائیها مورد تأیید است

در اینجا مفید بنظر میرسد که به اهداف و شعارهایی که ائتلاف جنگ علیه یمن در هشت سال پیش مطرح میکردند نگاهی بیندازیم، آنها ادعا میکردند که میخواهند یمن را به «محیط عربی» خود بازگردانند و تجاوز به یمن را با «رودررویی با نفوذ ایرانی» و حمایت از «امنیت ملی عرب» و بازگرداندن «مشروعیت به صنعا» توجیه میکردند، بخاطر این شعارهای و اهداف براق و دروغین، عربستان بر موجی از ائتلافات نظامی، سیاسی، محلی و اسلامی سوار شد و هزاران نفر مزدور از کشورهای مختلف به عربستان آورد و میلیاردها دلار با هدف «شکست یمنیها» بمصرف رسانید و شکست دادن یمنیها را در خلال چند هفته در دستور کار خود قرارداد. انچنانکه جان برینان، مسؤل امنیت ملی امریکا در آن زمان

، از قول ولیعهد عربستان محمد بن سلمان نقل میکند: «سرنگون کردن حوثیها در خلال چند هفته به پایان میرسد» (۱) همه این شعارها در حسرتها و لعنتهای ائتلاف دشمنان ذوب گردید، و در پایان راه، عربستان خود را تنها یافت که در بدر به دنبال مفری میگشت تا بتواند از ورطه هولناکی تاریخی که در آن دست و پا میزد رهایی یابد، جنگ هشت ساله بر علیه زیدیه‌ها و با حوثیهای یمنی ثابت کرد ائتلافی که برای کمک به بن سلمان تشکیل شده بود، در حقیقت برای کمک به امریکا، انگلستان و «اسرائیل» می‌جنگید، کشورهای که در زیر پرچم «ائتلاف عربی» گرد آمده بودند، پس از آنکه محمد بن سلمان آنها را در یک جلسه علنی در ماه آوریل سال ۲۰۲۲، طلاق داد و به امان خدا رهایشان نمود، در این مرحله آنها دچار تفرقه شده و اکثرا بسوی رابطه علنی و مخفی با اسرائیل روی آوردند، و از «ائتلاف» بجز نامی بی محتوا باقی نماند، در ادامه بن سلمان با عجله مجلس هشت نفره دیگری تشکیل داد که میان آنها نیز نظراتی که بیشتر به «توهمات غیر عملی» میماند وجود داشت، آنها نیز بزودی از یکدیگر جدا شدند و نتوانستند هیچیک از اهداف نظامی، سیاسی و استراتژیک عربستان را عملی کنند و بدتر اینکه آنان نیز تبدیل به ائتلافی شدند که حامل انواع شکستها و سرخوردگیهای سیاسی بودند و با گذشت زمان بمتابه سرباری بی عمل روی دست نظام سعودی ماندند، در این مرحله عربستان خود را تنها و مضطر یافت که باید بطور تدریجی از درخت پائین آمده و به دنبال راهی باشد که بتواند با یمن قوی، توانا و مستقل مذاکره کند، در این مرحله عربستان دست به دامن میانجیگری عمان، عراق و با مراجع بین المللی دیگری گردید، هیئتهائی به تکاپو افتاده و بسوی پایتخت یمن صنعا به دنبال طوق نجاتی روی آوردند که شاید عربستان بتواند بخشی از هیبت از دست داده اش را برگرداند

از رو درونی، تا دیپلماسی

تغییری که در سیاست خارجی عربستان طی هشت سال گذشته به وجود آمد و از سیاست خشونت و درگیری بسوی مذاکره و به صفر رساندن مشکلات انتقال یافت. اینم ذاکرات ابتدا از قطر و ترکیه آغاز شد (۲) و تا اتفاقیه ای که در بیجینگ میان ریاض و تهران امضا شد ادامه یافت، سپس مذاکرات دوجانبه میان صنعا و ریاض ادامه یافت، اگر شکست و دستاورد تلخ هشت سال جنگ یمن وجود نداشت عربستان به مذاکره تن در نمیداد. در نتیجه این شکست جانکاه، سعودیه مضطر و مجبور گردید که برای نجات اولویتهای اقتصادی، سرمایه‌گزاریه‌ها، توسعه و انرژی خود وارد مذاکره شده و از سیاست استفاده از جنگ و کشتار با یمن دست بردارد و با کشورهای عربی و اسلامی از جمله ایران وارد مراداتی صلح امیز شود، بویژه اینکه فاصله زمانی میان تحقق رویاهای خود در سال ۲۰۳۰، زمان زیادی نمانده و رو به کوتاهی میرفت (۳)

این درست است که عربستان قدرت نظامی و اقتصادی عظیمی بشمار میرود، اما آنها همه ثقل تواناییهای خود را در مکان اقتصادی و نظامی خطائی بکار گرفته و برنامه‌هایی خیالبافانه در مورد شکست دادن یمنیها در پیش گرفتند و غرق شدند و ثمره این خیالبافی نمیتوانست بجز حسرت و سرخوردگی فعلی باشد و در نتیجه ثروتهایشان بر باد رفت و در ماندند و امروز پس از هشت سال و شکستی تاریخی، در یمنی که تاریخا شهرتش اینست که «گورستان متجاوزان» است، دست از پا درازتر، اجبارا به یمن تسلیم شدند.

پس از گذشت هشت سال از جنگ بر ضد یمن، چگونه عربستان مجبور شد از جنگ و مقابله به دیپلماسی روی بیاورد؟ و چگونه این جنگ توانست محور اتحاد سه قوه قدرت، پول و ائتلافات عربستان را با شکستی رسواکننده رو برو سازد؟

سقوط سه گانه قدرت، مال و انتلافات

عربستان درجنگ خود بر علیه یمن بر روی عناصر سه گانه قدرت، ثروت و انتلافات عربی، اسلامی و بین المللی تکیه و اعتماد کرد و اینچنین گمان میبرد که امریکا ستون مورد اعتماد و پایه اصلی پیروزی است و میتواند حمایت لازم را برایش تامین کند و هیچگاه این فکر درمخيله انها خطورنمیکرد که سراسرجغرافیای کشورشان میدان فرود موشکها و پهپادها یمنی باشد و سراسر عربستان از نظر استراتژیکی در وضعیتی قراربگیرد که مصادر قدرت و ثروت و عصب اقتصادیشان مورد تهدید قرارگرفت، بطوریکه عناصر سه گانه ثروت، قدرت و انتلافایش در مقابل ایستادگی «اژدهای یمنی» که همه ضربات را دفع کرده و از مرحله دفع ضربات به مرحله دفاع انتقال یافت، و در ادامه به تحمیل معادلات خود پرداخت که بارزترین مرحله این عملیات «بقیق و خریص» در اواخر سال ۲۰۱۹، بود که از بزرگترین مراکز اصلی تولید و صدور نفت عربستان به جهان بود و صادرات عربستان را به نصف تقلیل داد و یا عملیات «توازن هشت گانه» و لیستی طولانی از انواع عملیات های گوناگون که اینها نشاندهنده ضعف و متزلزل بودن سیستمهای دفاعی امریکائیا، اسرائیلیها و فرانسویها، یونانیا و... در عربستان بود، و حجم طبیعی ان در مناسبات منطقه ای و بین المللی بود که در دفاع از رژیم پوسیده عربستان عاجز مانده بودند و در مجموع نشان داده شد که رژیم ال سعود که از ظاهری قدرتمند و افسانه ای برخوردار است، رژیمی است به گفته بسیاری دوستان و دشمنانش رژیمی است بغایت پوسیده، مسخره که تنها با پوششی ظاهری که امریکا نیاها برایش ساخته اند ادامه حیات میدهد

امروز و پس از هشت سال عربستان به ارزیابی غلط خود پی برده و اینکه چگونه امریکا نه فقط از انها روی برگردانده بلکه کاملا از حمایتشان نیز عاجز است، عربستان می بیند که یمن چگونه از یک قدرت محلی یا کشوری بدون دولت، بدون موسسات و ارتش، تبدیل به دولتی قادر و قدرتمند شده که میتواند معادلات خود را داخل یمن و خارج از آن حتی در سراسر آبهای منطقه اعمال کند و از مهمترین معادلاتی که یمن پس از آتش بس اعمال نموده، حمایت از ثروتهای خود و منع سرقت نفت و گاز یمن و غارت آن بوده، بلکه من با کشف و تسلط بر قدرتهای موشکی (۳)، نیروهای هوایی و قدرتهای هوایی که میتواند هر نقطه ای را در عمق استراتژیک کشورهای دشمن مورد هدف قرار دهد، و مهمتر اینکه یمن قادر است هر نقطه ای را در دریا و تا رسیدن به بندر ایلات اعمال قدرت کند، هم اکنون عربستان، امریکا و اسرائیل در ترس از صنعا بسر می برند، زارا با کمک فضل خداوند به مرحله ای رسیده است که همه طرفهای ائتلاف بطور علنی و غیر علنی در رعب و وحشت بسر میبرند

معجزه ای بزرگ

این درست است که یمن تا کنون پیروزی کامل را بدست نیاورده است، زیرا بیشتر استانهای نفتی و جزایر استراتژیک همچنان در زیر سیطره دشمنان اشغالگر قرار دارد و عربستان، امارات، امریکا و انگلستان انها را میان خود تقسیم کرده اند، و ما در اینجا صحبت از منطقه مهره، حضرموت، سقطری، مخا، باب المندب، مارب، شیوه، عدن، لهج، عدن و وابین میداریم که همه اینها تحت استراتژی از ادیبخش کامل ما قرار دارد و ما ضرورتا درخواست داریم که نیروهای دشمن از سراسر کشور ما خارج شوند و ما اطمینان داریم که موفق خواهیم شد که همه دشمنان خود را از سرزمینمان اخراج کنیم، انچنانکه در هشت سال گذشته اتفاق افتاد، نمیگوئیم فقط معجزه بوده، بلکه معجزه با تمام معنی واقعی این کلمه بوده است. اری نتایج حاصله بسیار بسیار بزرگتر از مقدمه چینی میباشد. با در نظر گرفتن وجود اختلاف در امکانات مادی، نظامی، اقتصادی، نیروهای ائتلاف تعداد نیروهای ارتشی و... / صاحب نظران و تحلیلگران نتوانسته اند هیچ تفسیر منطقی برای این پیروزی با این عظمت تعریف کنند. با تدقیق و مطالعه در تحلیلات و ارقامی که سرگرد

یحنی سریع ، سخنگوی نیروهای مسلح یمن طی هشت سال گذشته از اوضاع جنگ و جبهه ها ارائه کرده است ، این حقیقت آشکار میشود و اینکه ائتلاف ازجنگ هشت ساله خود در یمن چیزی بجز سرخوردگی ، رسوائی و شکست نصیبش نخواهد شد.

زیرنویسها از مترجم است:

(۱) در هزار واندی سال گذشته زیدیهای شیعه در یمن با استقلال زیسته اند، در سال ۱۹۶۲، سرهنگ سلال ارتشی یمن بر علیه زیدیهای امامیه کودتا کرده و جمهوری فعلی یمن را تشکیل داد ، اما این اقدام مورد مخالفت زیدیها قرار گرفت و میان آنان جنگ درگیر شد، سلال از پشتیبانی جمال عبدالناصر، رئیس جمهور مصر برخوردار بود و برای حمایت از آنان عبدالناصر به یمن نیرو فرستاد تا از جمهوری در برابر امامیه که بنظر آنها قرون وسطائی بود دفاع کند جنگ به درازا کشیده شد و عبدالناصر مجبور شد سی هزار نفر ارتشی را به من بفرستد تا زیدیها را تارومار کنند، پس از جنگهای طولانی ارتش مصر دچار ضربات سختی شد و تقریباً تمام جنگ افزارهایشان بدست زیدیها افتاد و شکست خورده به مصر باز گشتند ، این شکست جانکاه عبدالناصر باعث شد تا درجنگ ۱۹۶۷، اعراب و اسرائیل نتواند پیروز شود و از اسرائیل نیز شکست خورد. در یمن نیز زیدیها شکست نخورده و طی قراردادهائی ، قدرت را با نظامیان تقسیم کردند و قرار شد مدارس و مراکز و موسسات آنها به آنها باز گردانده شود، در ادامه زیدیها به عنوان شریکی قدرتمند در یمن پابرجا مانده که تا امروز نیز مانده اند.

(۲) بنا به مصاحه دکتر حسن نافع استاد حقوق سیاسی دانشگاه قاهره و بازنشسته که شخصیتی مهم و مطرح میباشد ، در مصاحبه اش با تلوزیون المیادین، اظهار داشت: «عربستان از چینیه درخواست کرده است تا برای برقراری صلح در منطقه ، میان آنها و ایران میانجیگری کند»

(۳) در دوره سی ساله حکومت سوسیالیستی در یمن جنوبی، علوم رشد بی سابقه ای کرد، دانشگاههای متعددی تاسیس گردید که معروفترین آنها «دانشگاه علوم و تکنولوژی» که با کمک شوروی سوسیالیستی رشد بی سابقه ای نمود. قابل ذکر است که شوروی سوسیالیستی کمکهای گوناگون زیادی در اختیار یمنی ها قرار می داد. از این دوره یمن اقدام به ساختن بعضی اسلحه های مقدماتی نمود ، همچنین یمن پایگاهی سیاسی برای جنبشهای آزادیبخش منطقه ویژه ایران و فلسطین بود ، بویژه فلسطینیها از امکانات بسیار زیادی برخوردار بودند، دهمین دوره جنگ ظفار بر علیه استعمار انگلیس و حکومت دست نشانده آنها نیز آغاز شد که از کمکهای دولت دموکراتیک یمن استفاده می کرد، سازمانهای سیاسی مجاهدین و کمونیستهای ایرانی نیز در یمن فعال و از امکانات دولت سوسیالیستی یمن استفاده می کردند، تشکیلات مقاومت ظفار نیز یک رادیو در عدن داشت که روزانه نیم ساعت به زبان فارسی برنامه پخش میکرد.

سه شنبه، ۲۸، مارچ ۲۰۲۳